



آینده‌پژوهی یعنی سعی و خطا



گفت‌وگو با محسن طاهری
عضو هیئت علمی و
رئیس اندیشکده آینده‌پژوهی
دانشگاه اصفهان

تنظیم گفت‌وگو: مریم ظفرمند



محسن طاهری دکترای تخصصی آینده‌پژوهی از دانشگاه تهران است. او در سال‌های گذشته کارگاه‌های زیادی با محوریت «آینده» در مدرسه‌های کشور برگزار کرده است. به گفته خودش، در این کارگاه‌ها تلاش کرده سطح سواد آینده‌دانش آموزان، معلمان و اولیا را افزایش دهد. در این کارگاه‌ها مهارت‌های بنیادی زیست در آینده، یعنی خلاقیت، همکاری، ایجاد ارتباط مؤثر و تفکر انتقادی در بین دانش‌آموزان تقویت و شیوه‌های نوین آموزش به معلمان تدریس شده‌اند. همچنین، در کارگاه‌های والدین، در مورد مسیرهای شغلی آینده و نقش آن‌ها در آینده فرزندان گفت‌وگو شده است. محسن طاهری مترجم دو کتاب در حوزه آینده‌پژوهی و کارآفرینی فناورانه است و بیش از ۳۰ مقاله علمی و پژوهشی از او منتشر شده است. او مدیر هاب انجمن جهانی آموزش آینده در ایران است. آنچه در ادامه می‌خوانید، گفت‌وگویی با وی درباره آینده مدرسه‌های کشور است.

■ برای شروع بحث، آینده‌پژوهی را به اختصار توضیح دهید؟

□ توضیح مفهومی مثل آینده که سطح بالایی از انتزاع دارد، سخت است. این‌ها مفاهیمی هستند که تعریف‌پذیر نیستند و مسئله‌ای که نمی‌توان برای آن تعریف ارائه داد، باید با گفت‌وگو و ارائه مثال درک شود. آینده نیز مثل مفاهیمی از جمله جامعه یا توسعه، تعریف نمی‌شود، بلکه باید آن را فهمید. موضوع پژوهش آینده‌پژوهی، همان مفهوم انتزاعی یعنی آینده است، اما اگر بخواهیم تعریف ساده‌ای از آینده‌پژوهی ارائه دهیم، به معنای توانایی پرسیدن سؤالات درست درباره آینده است. در آینده‌پژوهی با مقوله‌ای سروکار داریم که خیلی از زوایایش هنوز برای ما تاریک هستند و شاید بیشتر از آنکه به دنبال به‌دست‌آوردن دانش آینده، یعنی پاسخ به سؤالات در مورد آینده باشیم، باید به دنبال به‌دست‌آوردن هوشمندی آینده، یعنی همان توانایی

پرسیدن سؤالات درست در مورد آینده باشیم. اگر بخواهیم تعریف دیگری بدهیم که با متون این حوزه نیز مرتبط باشد، آینده‌پژوهی یعنی بررسی نظام‌مند آینده‌های گوناگون. آینده‌پژوهی ترجمه عبارت «Futures Studies» است. دقت کنید که هر دو کلمه جمع هستند و این بی‌دلیل نیست، بلکه یکی از مهم‌ترین پیش‌فرض‌های این حوزه را در خود گنجانده و آن اینکه قائل به این باشیم که یک آینده و نیز یک روش برای کسب معرفت در مورد آینده‌های متکثر وجود ندارد. هنر آینده‌پژوه این است که ترکیبی بی‌نقص از روش‌ها را برای بررسی نظام‌مند آینده به کار گیرد.

■ آینده‌پژوهی چه نسبت و ارتباطی با تعلیم و تربیت دارد، در این باره توضیح دهید؟

□ ما در حوزه آینده‌پژوهی چه چیزی را مطالعه می‌کنیم؟ هر چیزی که بتوانیم برای آن آینده‌ای متصور بشویم، می‌تواند

به سمتی تشویق کنند. ما در آینده بلندمدت برای استاد جایی نداریم، مگر اینکه بخواهیم در نظامی بسته عمل کنیم. بنابراین، استاد کم کار خود را در همه نظام‌های آموزشی از دست خواهد داد. در حوزه مدرسه هم ما به سمت مدرسه‌هایی می‌رویم که بیشتر توانمندسازند تا دانش‌محور.

■ با توجه به اینکه شما معتقدید در آینده مدرسه شکل جدیدی به خود می‌گیرد و ستادهای بزرگ محکوم به نابودی هستند، مدرسه‌های آینده به چه شکل خواهند بود؟

□ من نمی‌توانم بگویم و اگر بگویم، برخلاف آینده‌پژوهی عمل کرده‌ام. ما یک مجموعه نبود قطعیت داریم. مثلاً مبنی بر اینکه آیا نظام‌ها به سمت نظام‌های متمرکز یا غیرمتمرکز پیش می‌روند؟ آیا دانش کدگذاری شده شما همچنان منبع اصلی خلق ارزش خواهد بود یا خیر. یا اینکه اقتضات اجتماعی ما را به سمت مهارت‌های انسانی می‌برند یا نه. اما برداشت من این است که مدرسه‌هایی که ما امروز می‌بینیم، یعنی یک متکلم وحده به نام معلم که یک مجموعه سرفصل‌های مشخص را از استاد می‌گیرد و در بازه زمانی محدودی باید آن را به دانش‌آموز ارائه دهد. اگر این در آینده بماند، مدل مطلق و صددرصدی نخواهد بود. یعنی ما شروع می‌کنیم به سمت مدرسه‌هایی پیش برویم که نوعی اجتماعات دموکراتیک به‌منظور خلق جوامع معناگرا دارند و از این سری دوزی و همه را به یک شکل و اندازه درآوردن فاصله می‌گیریم.

ممکن است در آینده تعلیم و تربیت از فضای مدرسه‌های آینده بیرون برود، اما مدرسه همچنان نقش آفرینی کند؛ نقش توانمندسازی در مهارت‌های اجتماعی. در آینده مدرسه جایی نیست که آنجا سواد خواندن و نوشتن یاد بگیرید، بلکه جایی است که باید برای آموزش سواد اجتماعی و مهارت‌های انسانی تلاش کنید. چه اتفاقی می‌افتد؟! ما حدود ۱۳۲ هزار مدرسه داریم با معلمانی که تربیت پیدا کرده‌اند که تقریباً هر آنچه را از طرف نظام آموزش و پرورش به آن‌ها دیکته شده است به بچه‌ها منتقل کنند. این مدل باید به سمت معلمی برود که می‌تواند مهارت‌های انسانی را به بچه‌ها یاد بدهد. حالا مهارت‌های انسانی چه هستند؟ پذیرش شکست، اعتماد به نفس، عزت نفس، خلاقیت، کار تیمی، همکاری کردن، تفکر انتقادی داشتن و مهارت برقراری ارتباط مؤثر با دیگران. الان چند درصد از معلمان ما واجد شرایط هستند که

به‌عنوان موضوع پژوهش روی میز یک آینده‌پژوه قرار گیرد. ما می‌توانیم برای تعلیم و تربیت آینده‌ای را در نظر بگیریم، در نتیجه می‌تواند موضوعی برای آینده‌پژوهی باشد. ما می‌توانیم بگوییم آینده تعلیم و تربیت و یا تعلیم و تربیت آینده و این دو برمی‌گردند به پارادایم‌هایی که ما در حوزه آینده‌پژوهی داریم. یک بار با یک دیدگاه اکتشافی از زمان حال به آینده می‌روید و این همانی است که ما به آن می‌گوییم آینده تعلیم و تربیت. یعنی تعلیم و تربیتی را داریم و می‌خواهیم درباره آینده‌اش صحبت کنیم. این یک دیدگاه اکتشافی است که از حال به آینده می‌رویم. آینده‌های محتمل و قابل پیش‌بینی. موضوع دیگر این است که می‌گوییم تعلیم و تربیت آینده. با یک ذهن تمیز می‌رویم در آینده می‌ایستیم و با دیدگاهی هنجاری و نه اکتشافی، می‌گوییم تعلیم و تربیتی که به درد آینده می‌خورد، چگونه است؟ و بعد نظام تعلیم و تربیت را به گونه‌ای بازطراحی می‌کنیم که در آن آینده‌ها می‌توانند موفق باشند.

بنابراین، این دو دیدگاه ما را به دو روش‌شناسی و نتیجه متفاوت می‌رسانند. اگر شما دیدگاه‌های پیش‌دستانه بخواهید، از رویکرد هنجاری استفاده می‌کنید؛ تعلیم و تربیت آینده. این دیدگاه چالشی است و باید به نفع آینده‌ای متفاوت، از خیلی چیزها بگذرید. اما دیدگاه اکتشافی نشان می‌دهد موجودیت فعلی چه آینده‌ای خواهد داشت که در واقع می‌شود آینده‌پژوهی اکتشافی.

■ در آموزش و پرورش با دو مقوله ستاد و صف مواجهیم. ستاد که می‌شود وزارت آموزش و پرورش و صف که شامل بیش از ۱۳۲ هزار مدرسه سراسر کشور است که متولی تعلیم و تربیت هستند. به نظر شما تعلیم و تربیت آینده بین این دو نهاد صف و ستاد چه تفاوت‌هایی دارند؟

□ چون گفتید تعلیم و تربیت آینده، بنابراین دیدگاه شما هنجاری است و جواب من جوابی صریح است که ممکن است عده‌ای را ناراحت کند. ما در حوزه آموزش به سمت تمرکززدایی پیش می‌رویم. امروز اگر ما معلم را به مثابه دارنده دانش در نظر بگیریم، هیچ معلم انسانی با این وسعت از دانش نمی‌تواند به هر سؤالی پاسخ دهد. اتفاقی که در حوزه تعلیم و تربیت می‌افتد، این است که اگر ما معلمان را به‌عنوان مخزن دانش در نظر بگیریم، داریم به سمت کسانی می‌رویم که ادعایی ندارند دانش را بیشتر از دانش‌آموز می‌دانند، بلکه از بینشی برخوردارند که می‌توانند دانش‌آموزان را



مهارت‌های این‌چنینی را به بچه‌ها منتقل کنند؟ به نظر من صفر درصد. مگر اینکه ستاره‌ای باشد که در این آسمان تاریک بدرخشد. بدیل‌های ما برای مدرسه سلسله‌مراتبی با معلمان متکلم‌وحده و نظام ارزیابی مبتنی بر حفظیات، به سمت مدرسه‌هایی با مهارت‌های اجتماعی خواهد رفت. البته نمی‌گوییم این‌ها غلبه خواهند کرد یا آن‌ها نابود خواهند شد، بلکه مدرسه‌های سنتی با چالش مواجه خواهند شد.

■ تعریف شما از مهارت چیست؟

□ مهارت این نیست که مثلاً یک کوزه گلی را عیناً دانش‌آموز بسازد. هرچند کار کردن با دست یک مهارت فراموش شده در دنیای جدید است، اما ساختن یک کوزه از روی مدل، یک نوع حفظ کردن دیگر است. از نظر من مهارت‌های پایه چهار موردند: خلاقیت یعنی توانایی شکستن الگوها و الگوریتم‌ها؛ ارتباط مؤثر برقرار کردن؛ همکاری کردن؛ تفکر انتقادی.

■ برخی از کارشناسان معتقدند، صحبت از آینده بی‌معنی است و مدرسه‌های ما بسترهای لازم را ندارند. شما چه نظری دارید؟

□ اینکه برخی می‌گویند، آینده‌پژوهی به درد ایران نمی‌خورد، جمله‌ای واقعاً غلط است. اتفاقاً آینده‌پژوهی به درد جاهایی می‌خورد که با آینده چالشی مواجه است. بسته‌شدن پنجره فرصت‌های جمعیتی، بحران‌های زیست‌محیطی، بحران‌های مدیریتی، بحران دانش، و بحران ناکارآمدی که همگی در کشور ما وجود دارند. بنابراین، آینده‌پژوهی اینجا به درد می‌خورد. من حتی در یکی از کنفرانس‌ها گفتم، بهترین آینده‌پژوهان دنیا برای محک‌زدن خودشان باید به ایران بیایند. اگر در ایران توانستند آینده‌پژوهی کنند، آن وقت مرد این میدان هستند. اما به آن‌هایی که می‌گویند آینده‌پژوهی در مدرسه‌های ایران بحثی بیهوده است، اول این را بگویم که آسمان تمام دنیا در حوزه آموزش و پرورش همین رنگ است. الوین تافلر، آینده‌پژوه فقید، صحبت عجیبی دارد که می‌گوید: یک بزرگراه با باندهای متفاوت سرعت را در نظر بگیرید. کلیت جامعه در باند با سرعت بالا در حال حرکت است. به‌ویژه بخش ارزش‌آفرین و استارت‌آپ‌ها. این‌ها سریع دارند می‌روند. برخی در باند ۵۰ کیلومتر هستند. نظام‌های آموزشی را ما سوار ویلچر کرده و گذاشته‌ایم در باند کندروی پنج کیلومتر که گاهی اوقات عقب‌گرد هم می‌روند.

بنابراین، کل دنیا نتوانسته است در نظام آموزش و پرورش با سرعت تغییرات ایجاد کند. فنلاند کشوری است که در دنیا حتی آمریکا و آلمان حسرت مدرسه‌های این کشور را می‌خورند. تغییرات در فنلاند دو دهه طول کشید. امروز در فنلاند با مدرسه‌هایی مواجهید که اصلاً کتابی در

آن‌ها نیست. مدرسه را بچه طراحی می‌کند. پروژه‌های جلو می‌روند. یک ترم کامل درباره حشرات صحبت می‌کنند. هم زیست‌شناسی، هم ریاضیات، هم جامعه‌شناسی و هم رفتار با حیوانات و بسیاری موارد دیگر را یاد می‌گیرند.

■ درباره مهارت‌هایی توضیح دهید که معلم در جامعه سنتی ایرانی آینده‌پژوهانه کار کند.

□ البته به نظر من ایران جامعه‌ای سنتی نیست، اما فرض کنیم شما معلم یک مدرسه اسلامی هستید. اگر من بودم، یکی از پروژه‌های من در حوزه آینده‌پژوهی، آرمانشهر ایرانی-اسلامی بود. به‌جای اینکه حفظیات را وارد کلاس کنم، پروژه‌ای تعریف می‌کردم در قالب داستان‌پردازی، تئاتر، نقاشی یا نمایش خیابانی تا بچه‌هایی که گروه شده‌اند، در قالب چند گروه، آرمان‌شهر را به تصویر بکشند.

■ درباره کالبد مدرسه هم می‌توانید توضیح دهید؟ کالبد مدرسه یا فیزیک مدرسه در آینده چگونه خواهد بود؟

□ مدرسه مطلوب من در آینده مدرسه‌ای است که دیوار ندارد. مدرسه‌ای است که خود بچه‌ها طراحی‌اش می‌کنند. مدرسه‌ای است که در چیدمانش سرکلاس، بچه‌ها رودرروی هم می‌نشینند. طراحی کلاسش به‌صورت گرد است. مدرسه جایگاهی بالاتر از بچه‌ها ندارد. مدرسه‌ای است که دیوارهایی از جنس دیوارهای سبز دارد. مدرسه‌ای است که بچه‌ها در آن شاد هستند و به‌جای معرفی نفرت برتر کنکور، دانش‌آموزانی معرفی می‌شوند که مثلاً مشکل محله را حل کرده‌اند.

■ می‌خواهم آینده‌پژوهی را در مدرسه عملیاتی کنم. اولین قدم چیست؟ و اگر قدم‌های بعدی نیز مشخص است، چه مواردی هستند؟

□ اولین قدم این است که والدین را نسبت به تغییری که می‌خواهید انجام دهید، آگاه کنید. والدین چه توقعی از مدرسه دارند؟ محیطی برای سرکوب بچه‌ها، تشویق آن‌ها برای شرکت در کنکور و مهارت‌های تست‌زنی، یا محلی برای توانمندسازی دانش‌آموزان برای زیست در آینده؟ جالب است بدانید، در تجربه‌های شخصی من، خیلی از معلمان طرز برخورد با فرزندان خودشان را نیز بلد نیستند و از من می‌پرسند با بچه خود چگونه برخورد کنیم. آموزش مهارت‌ها به معلمان خیلی سخت است، اما اگر یاد بگیرند، ما نسلی خواهیم داشت که می‌تواند جامعه را تغییر دهد و محل تغییر باشد.



ممکن است در آینده تعلیم و تربیت از فضای مدرسه‌های آینده بیرون برود، اما مدرسه همچنان نقش آفرینی کند



فیلم مرتبط با گفت‌وگو، را اسکن کنید.